

لغت نامه شخصی ناصرالدین شاه قاجار

۲۰ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۵۶

ناصرالدین شاه در میان پادشاهان ایران از این حیث که صاحب قلمی روان و بسیار نویس بود، به نظر یگانه است. اگر تمام نوشته‌های موجود از پادشاهان ایران را یک کاسه کنند و به چاپ برسانند، در قبال مجموع نوشته‌های دستخطی و مطبوع او (آنچه بر جای مانده و می‌شناسیم) صحبت کاه و کوه است.

تعداد مجلدات سفرنامه‌ها و یادداشت‌های روزانه‌اش از ده مجلد در می‌گذرد. دستوره‌های حاشیه نویسی بر عریضه‌ها و نامه‌های دولتی حتماً بیش از این میزان خواهد بود و صفحات آن کتاب‌ها نیز فراتر می‌رود.

وی به شنیدن مطالب و مقالات روزنامه‌های فرانسوی شوقی فراوان داشت. همه روزه تقریباً یکی دو ساعت برایش روزنامه می‌خواندند [۳] و در حضورش ترجمه می‌کردند. محمد حسن خان اعتماد السلطنه و گاهی دکتر تولوزان و گاهی علینقی حکیم‌الممالک این وظیفه را عهده‌دار بودند. در این بین، گاهی نیز شاه خودش روزنامه می‌خوانده است.

ناصرالدین شاه به فراگرفتن زبان فرانسه علاقه‌مند بود. اگر چه در این مرحله توفیق چشمگیری نیافت، ولی می‌کوشید گاهی به آن زبان صحبت کند و گاهی چند کلمه‌ای بنویسد و احیاناً آن‌گونه که گذشت، روزنامه یا کتاب بخواند. در کتابخانه ملی و آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، نوشته‌ها و مطالب زیادی در یادداشت‌ها و حتی در حاشیه نامه‌ها و نقاشی‌هایش به زبان فرانسه دیده می‌شود. همچنین در برخی موارد، کلماتی رمزآلود و پوشیده را نیز به فرانسه در حواشی برخی یادداشت‌هایش و تعدادی از نسخه‌های خطی و چاپی کتابخانه سلطنتی می‌نگاشته که تعدادی از آنها نام برخی از همسرانش در مسافرت‌های شکار و برخی وقایع مربوط به آنهاست که نگارنده اول آنها را هم در کتابخانه ملی و هم در کتابخانه سلطنتی دیده است. گاهی هم مطالب را به خط فارسی برمی‌گرداند و معنای آن را زیرش می‌نوشت. همچنین کتاب‌های زیادی در تالار ایرانشناسی کتابخانه ملی به فرانسه موجود است که یادداشت‌های آن پادشاه در کنار آنها دیده می‌شود و حکایت از آن دارد که آن کتاب‌ها را نیز می‌خوانده و می‌دیده است. او پیوسته کوشش می‌کرد به هر طریق این زبان را فراگرفته، بدان تکلم نماید و از کتب و روزنامه‌های فرانسوی استفاده کند.

[۴]

اعتمادالسلطنه در یادداشت‌هایش درباره‌ی فرانسه دانی ناصرالدین شاه آورده است:

پنجشنبه، سیزدهم جمادی الثانی ۱۲۹۸؛

ناهار خوردند، روزنامه خواندند، خلاصه باز درس خواندند. پانزده سال است که من درس می‌گویم و ده سال قبل از من معتمدالملک و پیش از او حکیم کلوک و در زمان ولیعهدی و ایالت تبریز جمعی دیگر درس داده بودند. ماشاء الله از شدت کار یا پریشانی خیال هیچ فرانسه نمی‌دانند، زیرا که مثل سایر کارها از راه اصولش بر نمی‌آیند. تصور می‌فرمایند که تعلیم و تعلم مشابه سلطنت مستقل ایران است که به بوالهوسی می‌توان تحصیل کرد. لا والله. درس چیز دیگر است.

با این وجود، هم او فرهنگ فرانسه فارسی ناقصی به عنوان اینکه تألیف ناصرالدین شاه است در قطع جیبی به سال ۱۲۹۶ هجری قمری در تهران طبع کرده و در خاطراتش مطالبی پیرامون زبان آموزی ناصرالدین شاه آورده است که در زیر برخی از آنها را می‌آوریم: [۵]

چهارشنبه، بیست و یکم شعبان ۱۲۹۲؛

بعد به من فرمودند روزنامه عرض کنم. به قدری خوب ترجمه کردم که شاه زیاد از حد تمجید فرمودند، به فرانسه و فارسی به قدری التفات فرمودند که از حال من بیرون بردند.

دوشنبه، هفتم شعبان ۱۲۹۸؛

خلاصه در سر ناهار روزنامه خواندم. بعد از ناهار درس دادم. حضرت همایون به واسطه اینکه فارغ از کارهای دولتی باشند، تحصیل فرانسه را شروع کرده اند. فرمودند که منزل نرو، باش درس بخوانم.

سه شنبه، پانزدهم شعبان ۱۲۹۸؛

الی عصر آنجا تشریف داشتند. درس خواندند. ترتیب درس را جور مخصوص دادم انشالله اگر این طور پی بفرمایند، شاید بتوانند به زودی فرانسه حرف بزنند، اگر عدم ثبات تغییر ندهد.

پنجشنبه، اول رمضان ۱۲۹۸؛

قدری روزنامه در سر ناهار عرض شد. عصر مفصل و مشروح کتابی بسیار مشکل شاه به فرانسه خواندند و من ترجمه کردم.

دوشنبه، پنجم رمضان ۱۲۹۸؛

در حالی که من نشسته بودم، روزنامه عرض می‌کردم، ولیعهد هم نشسته بود. تفصیل درس فرانسه از ایشان سؤال کردند. عرض کرد که شروع کردم چون مشکل بود تعاقب نکردم. شاه از خودشان تعریف کردند که اگر مشاغل سلطنتی نبود هر آن گاه ده زبان و چند علم تحصیل کرده بودم.

پنجشنبه، هشتم رمضان ۱۲۹۸؛

بعد از ناهار قدری کتاب تاریخ ناپلئون را خواندند، قدری گرامر خواندند.

جمعه، نوزدهم ذی‌القعدة ۱۲۹۸؛

دیروز در قصر قاجار محرمانه به من فرمودند که امشب را عشرت آباد بیایم. فرانسه فرمودند کسی نفهمد.

شنبه، بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۲۹۸؛

به من فرمودند نزدیک پادشاه نشسته، روزنامه بخوانم. شاهزاده‌ها خیلی تعریف کردند. شاه فرمودند من خودم همینطور ترجمه می‌توانم بکنم.

شنبه، هجدهم محرم‌الحرام ۱۲۹۹؛

الی عصر بودم. کتاب و روزنامه خوانده شد. . . . میل مبارک در عالم به سه چیز است: شکار و روزنامه و کتب فرانسه و سنگ معدن.

چهارشنبه، بیست و سوم جمادی‌الاولی ۱۲۹۹؛

به شاه عرض کردم اگر درس نمی‌خوانید بروم. فرمودند نمی‌خوانم.

دوشنبه، یازدهم رجب‌المرجب ۱۲۹۹؛

به حساب خود خواستند اظهار لطف فرمایند، قدری به فرانسه، قدری به فارسی اظهار لطف فرمودند.

چهارشنبه، هجدهم شعبان المعظم ۱۲۹۹؛

باز درس فرانسه شروع شد و تاریخ اسکندر خوانده شد.

یکشنبه، بیست و یکم رمضان المبارک ۱۲۹۹؛

شاه شروع به خواندن روزنامه مصور فرانسه فرمودند. راه درس و تحصیل خود را می‌خواهند از این به بعد، از این جاده قرار بدهند.

پنجشنبه، بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۲۹۹؛

خاطر مبارک قبل از شام به خواندن درس فرانسه میل فرمودند.

یکشنبه، بیست و سوم رمضان المبارک ۱۳۰۰؛

خدمت شاه رسیدم. روزنامه ایلوستراسیون که شرح فوت یکی از معارف فرانسه بود، طلوزان (دکتر تولوزان) می‌خواند و من ترجمه می‌کردم. . . اگرچه حکیم طلوزان به فرانسه می‌خواند و من به فارسی ترجمه می‌کردم، بندگان همایون که غالب مطالب فرانسه را می‌فهمند و ملتفت بودند که من در ترجمه کم و زیادی نمی‌گویم. . . .

یکشنبه، نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۰۱؛

میرزا سعید خان وزیر خارجه به واسطه عداوتی که با من دارد، اخبارم را نداده بود که به جهت ترجمه حاضر باشم. میرزا عبدالله خان پسر صدیق‌الملک را برای مترجمی تراشیده بودند. میرزا عبدالله هم از عهده ترجمه برنیامده بود. شاه که فرانسه را خوب می‌داند ملتفت شده بود، بارون نریمان را که حضور داشت، او را به ترجمه واداشته بود.

جمعه، چهاردهم محرم‌الحرام ۱۳۰۳؛

دوشان تپه تشریف بردند. چهار پنج روزنامه خواندم. درس خواندند. . . ملیجک دو سه لغت فرانسه آب و نان یاد گرفته، چنان شاه مشعوف شدند، مثل اینکه هندوستان ضمیمه مملکت ایشان شده.

چهارشنبه، ششم محرم‌الحرام ۱۳۰۴؛

عید مولود شاه است. . . [۶] کتابی در تاریخ اعراب خیلی گرانبها به زبان فرانسه تقدیم حضور شاه نمودم. . . قدری خودشان با سفرا فارسی و فرانسه حرف زدند.

جمعه، اول ربیع الثانی ۱۳۰۴؛

به من فرمودند حقیقت این است من می‌خواهم بعد [از این] درس فرانسه بخوانم. هر روز صبح زود و دو ساعت به غروب مانده حاضر باش که دو وقت درس بخوانم.

یکی از نشانه‌های علاقه‌مندی او به زبان فرانسه، کتاب لغت فرانسه به فارسی (حرف آ تا د) است، یعنی جلد اول که ناصرالدین شاه شخصاً به تهیه آن اقدام کرده بود و آن‌گونه که پیشتر آمد، با ویراستاری اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۶ هجری قمری به چاپ سربی با حروفچینی رسید و انتشار یافته است. [۷] برای آنکه مطلب روشن‌تر باشد مناسب است که چند سطر از مقدمه آن کتاب را در اینجا بیاوریم.

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه، ناصرالدین شاه - خلد الله ملکه - تصمیم عزم دادند که توجهات پدرانۀ خاطر خطیر مبارک را درباره امور متعلقه به ترقی و مدرکات عقلی ملت خود مجدداً مبرهن و مدلل فرمایند.

از آنجا که در پیشگاه ضمیر منیر مقدس محقق است که علم و دانستن زبان فرانسه از برای معاشرت و رابطه با دول و تحصیل علوم جدیدۀ نهایت مفید می‌باشد، بنا برمراحم و الطاف ملوکانه قصد فرمودند که تحصیل این زبان را در میان رعایای خود منتشر و معمول نمایند و خود به نفس نفیس همایون بذل مجاهدت فرموده، مجموعه‌ای از لغات معموله کثیرالاستعمال را جمع و معانی آنها را به زبان فارسی نگاشته به عبارۀ آخری کتاب لغتی جامع از فرانسه به فارسی تألیف و تصنیف فرمودند. این مجموعه لغت فرانسه و فارسی که عمدۀ و اولینشان و اعتبار آن این است که از مصنفات ذات ملکوتی صفات همایون است، محسنات دیگر را نیز داراست که اگرچه در جنب حسن اولین چندان اهم نیست، ولی باز در شمار مهمات است و ما به تذکار آنها پرداخته، اظهار می‌نماییم که این نگارش اعلا انواع و اقسام ترقیات متوالیه را که دولت علیه به تشویقات و توجهات حسنۀ اعلی حضرت خسرو صاحبقران عز نصره نموده و می‌نماید از نو به منصفه ثبوت رسانیده، جلوه شهود می‌دهد و این اول کتاب فرانسه است که در دارالخلافت ناصری در دارالطباعه خاصه دولت علیه ایران به حلیه طبع می‌رسد.

ناصرالدین شاه به جز زبان فرانسه به فراگرفتن زبان‌های انگلیسی و آلمانی و روسی هم تمایل نشان می‌داد و گاه به گاه به اقتضای سیاست روز عالم و احوال حکومت ایران، به آموختن یکی از آن زبان‌ها می‌پرداخت. [۸]

در این باره اعتمادالسلطنه در یادداشت‌هایش می‌نویسد:

در بین راه به میرزا احمد مترجم روسی رسیدم. . . . قرار شده است در سفرها ملتزم رکاب باشد و درس روسی به شاه بدهد. ماشاءالله شاه سی سال است متصل درس فرانسه می خوانند، هنوز نمی توانند مکالمه نمایند، حال روسی می خوانند.

توصیف نسخه خطی دفترچه لغت - معنی فرانسه

این دفترچه یادداشت که در آن لغات و اصطلاحات فرانسه و معانی فارسی آنها درج شده است، دفترچه‌ای در قطع $5/15 \times 5/9$ سانتی‌متر و دارای ۸۷ برگ (مجموع برگ‌های نگارش شده و سفید) است. کاغذ آن فرنگی، سفید متمایل به زرد کمرنگ و در متن دارای علائم راده و آب نقش (آب نشان) است. دفه رو و پشت جلد (دفتین) تیماج به رنگ بنفش تیره و آستر و بدرقه، کاغذ ابر و باد فرنگی کار بوده، و در هر دو طرف دفتین آستر و بدرقه به همان صورت وجود دارند.

دور دفتین، یک خط طلاکوب بسیار ظریف وجود دارد که به مرور زمان برخی از قسمت‌های طلاکوب آن رنگ و رو رفته و یا جدا شده است. روی دفه روی جلد، برچسب پاکت (لیبل) ارغوانی تیره‌ای که مخصوص چسبانیدن به پشت پاکت‌های ارسالی از دربار بوده است، چسبانیده شده. چاپ روی برچسب، به رنگ طلایی و برجسته با نوشته، السلطان بن السلطان بن السلطان با تصویر شیر در حالت نشست (خواییده) که خورشید از پشت آن هویداست؛ با شعاع نور در اطراف آن و جمله السلطان ناصرالدین شاه قاجار در قسمت پایین دیده می‌شود. این شکل برچسب، بیضی و در اندازه ۱۲ میلی‌متر در چندین رنگ از جمله آبی سبز و آبی نیلی چاپ شده بود. در اثر برخورد دست و مداومت استفاده از دفترچه به عنوان دیکسیونر شخصی شاه، برچسب پاره و در برخی قسمت‌ها افتادگی دارد. علاوه بر صفحاتی که در آنها لغات و اصطلاحات نگارش یافته، تعداد زیادی از صفحات سفید و شروع نوشتجات به سنت مرسوم نگارش لاتین از سمت چپ دفترچه است.

بر روی عطف (قسمت پایین) برچسب کوچکی وجود دارد که با مرکب مشکی عبارت دفتر کوچک لغت فرانسه روی آن نگارش یافته است.

تعدادی از لغات و معانی با جوهر بنفش، برخی با جوهر مشکی و چند صفحه نیز با جوهر بنفش کمرنگ (رنگ و رو رفته) به نگارش درآمده که تعدادی به نظر می‌رسد با قلم ریز فلزی و برخی با قلمی درشت‌تر به دست خط کسانی غیر از شاه (بعید به نظر نمی‌رسد که مابقی از آن اعتمادالسلطنه یا میرزای فروغی نباشد) نگاشته شده باشد. در بالای برخی از صفحات، شماره صفحه به لاتین گذاشته شده که به نظر می‌رسد دستخط شاه باشد. در بالای برخی صفحات نیز شماره صفحه‌ها با مداد و فارسی نگارش شده که به نظر می‌رسد از آن مفسرین بوده و برای شمارش صفحات در طول فهرست‌نویسی گذاره شده باشد.

تعداد برگ‌های نگارش شده ۴۷ برگ و به طور متوسط از یازده سطر (یازده عدد لغت و معنی در هر صفحه) تا سی و دو سطر

(سی و دو عدد لغت و معنی در هر صفحه)، سطرهای نوشته شده، متغیر است. [۹]

روی بدرقه دفه پشت جلد، برچسب کتابخانه دولت علیه ایران (نوع آ) [۱۰] چسبانیده شده است. در منتهی الیه بالای آن، سمت چپ، مهر گرد (که به نظر می‌رسد از جنس لاستیک، بلور و یا حتی فلزی بوده است) کتابخانه دولت علیه ایران، ۱۳۲۹ گرداگرد و نقش شیر و خورشید ایستاده با تاج کیانی در بالای آن، در وسط آمده که به علت قرار گرفتن روی نقش‌های کاغذ ابر و باد بدرقه، تنها بخشی از آن که روی برچسب قرار دارد، قابل ملاحظه است. شماره ثبت این دفترچه در کتابخانه سلطنتی، ۱۰۹۸ بوده است. چون از دیدگاه تاریخی و ارزش استنادی، این نسخه منحصر به فرد است، با حذف برخی از صفحات که به دستخط ناصرالدین شاه نبوده یا برخی از بخش‌های دفترچه که آوردن آنها با توجه به نگارش برخی لغات مستهجن و معانی فارسی آنها، مقدور نبود، مابقی نسخه، به صورت نسخه برگردان در انتهای این مقاله به زیور طبع آراسته می‌گردد تا از گزند فراموشی و دست حوادث روزگار مصون باشد.

منبع : کتابخانه مجلس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۳۸۷/قاجار-شاه-ناصرالدین-شخصی-نامه-لغت/>